

دوشنبه های اعتراضی کارگران شاغل و بازنشسته:

1- ادامه اعتراضات کارگران صنعت نفت نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، تعیین سقف حقوق، اصلاح نشدن کف حقوق برای کارکنان جدیدالاستخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق های بازنشستگی، تعیین سقف بازنشستگی و پرداخت نشدن کامل سنوات، اخذ مالیات غیر قانونی و عدم اجرای کامل ماده 10 قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تجمع کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان با شعارهای «محدودیت پرداخت ملغی باید گردد» و «تفکیک ظالمانه ابطال باید گردد»

2- دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان بابرپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل یا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی (شهر تبریز)

اصفهان (شهر اصفهان)

کردستان (شهرهای بیجار و سنندج)

کرمانشاه (شهر کرمانشاه)

- از سرگیری اعتراضات بازنشستگان صداوسیما نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت مطالبات با تجمع مقابل مسجد بلال صداوسیما

- تجمع اعتراضی صاحبان کامیون های کمپرسی یزد با شعارهای «تابارو پس نگیریم آروم نمی نشنیم» و «مسئول بی لیاقت عدالت عدالت»

- تحریم غذای دانشجویان دانشگاه الزهرا در اعتراض به پیدا شدن مگس و پلاستیک در غذای سلف سرویس

- پیدا شدن کرم در ناهار روز دوشنبه 25 فروردین دانشگاه علوم پزشکی تبریز

- بیانیه شورای صنفی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در خصوص وضعیت اسفبار و غیرقابل قبول تغذیه

- موضع شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت وقایع تلخ و تکان دهنده در شهری و سنندج

- مواضع انجمن صنفی معلمان کوردستان در مورد بیانیه هشدارآمیز ۸۰۰ نفر از چهره های علمی، فرهنگی و هنری کشور در خصوص برگزاری مراسم نوروز

نه به مصادره نوروز؛ آری به کثرت و پلورالیسم

- احضار 9 معلم کنشگر کرمان به دادگاه انقلاب

- تداوم بازداشت و پی‌گیری از وضعیت امیرحسین باقری علویجه

*دوشنبه های اعتراضی کارگران شاغل و بازنشسته:

1- ادامه اعتراضات کارگران صنعت نفت نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، تعیین سقف حقوق، اصلاح نشدن کف حقوق برای کارکنان جدیدالاستخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق‌های بازنشستگی، تعیین سقف بازنشستگی و پرداخت نشدن کامل سنوات، اخذ مالیات غیر قانونی و عدم اجرای کامل ماده 10 قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تجمع کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان با شعارهای «محدودیت پرداخت منعی باید گردد» و «تفکیک ظالمانه ابطال باید گردد»

روز دوشنبه 25 فروردین



2- دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان بابرپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل یا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی (شهر تبریز)

اصفهان (شهر اصفهان)

کردستان (شهرهای بیجار و سنندج)

کرمانشاه (شهر کرمانشاه)

شعارها:

«این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت»

«عدالتی ندیدیم فقط دروغ شنیدیم»

«تأحق خود نگیریم از پا نمی نشنیم»

«سهمداران عمده حق ماها رو خوردند»

«ستاد اجرایی حق ماها رو خورده»

«اعتماد مبین سپاه حق ماها رو خورده»

«سهمدار ظالم ننگت باد ننگت باد»

«مدیران دروغگو ننگت باد ننگت باد»

تصاویر:

تبریز:



کرمانشاه:



*از سرگیری اعتراضات باز نشستگان صداوسیما نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت مطالبات
با تجمع مقابل مسجد بلال صداوسیما

تصاویر منتشره در شبکه های اجتماعی، از سرگیری اعتراضات بازنشستگان صداوسیما نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت مطالبات در سال جدید بابرگایی تجمع روز دوشنبه 25 فروردین مقابل مسجد بلال صداوسیما، خبر می دهند.





***تجمع اعتراضی صاحبان کامیون های کمپرسی یزد با شعارهای «تابارو پس نگیریم آروم نمی نشینیم» و «مسئول بی لیاقت عدالت عدالت»**

فیلم کوتاه منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 25 فروردین، از تجمع اعتراضی صاحبان کامیون های کمپرسی یزد با شعارهای «تابارو پس نگیریم آروم نمی نشینیم» و «مسئول بی لیاقت عدالت عدالت»، خبر می دهد.

***تحریم غذای دانشجویان دانشگاه الزهرا در اعتراض به پیدا شدن مگس و پلاستیک در غذای سلف سرویس**

روز یکشنبه 23 فروردین، دانشجویان دانشگاه الزهرا در اعتراض به پیدا شدن مگس و پلاستیک در غذای سلف سرویس از خوردن غذا خودداری کردند و سینی ها را پس از تحویل در محوطه این واحد آموزش عالی چیدند.



***پیدا شدن کرم در ناهار روز دوشنبه 25 فروردین دانشگاه علوم پزشکی تبریز**

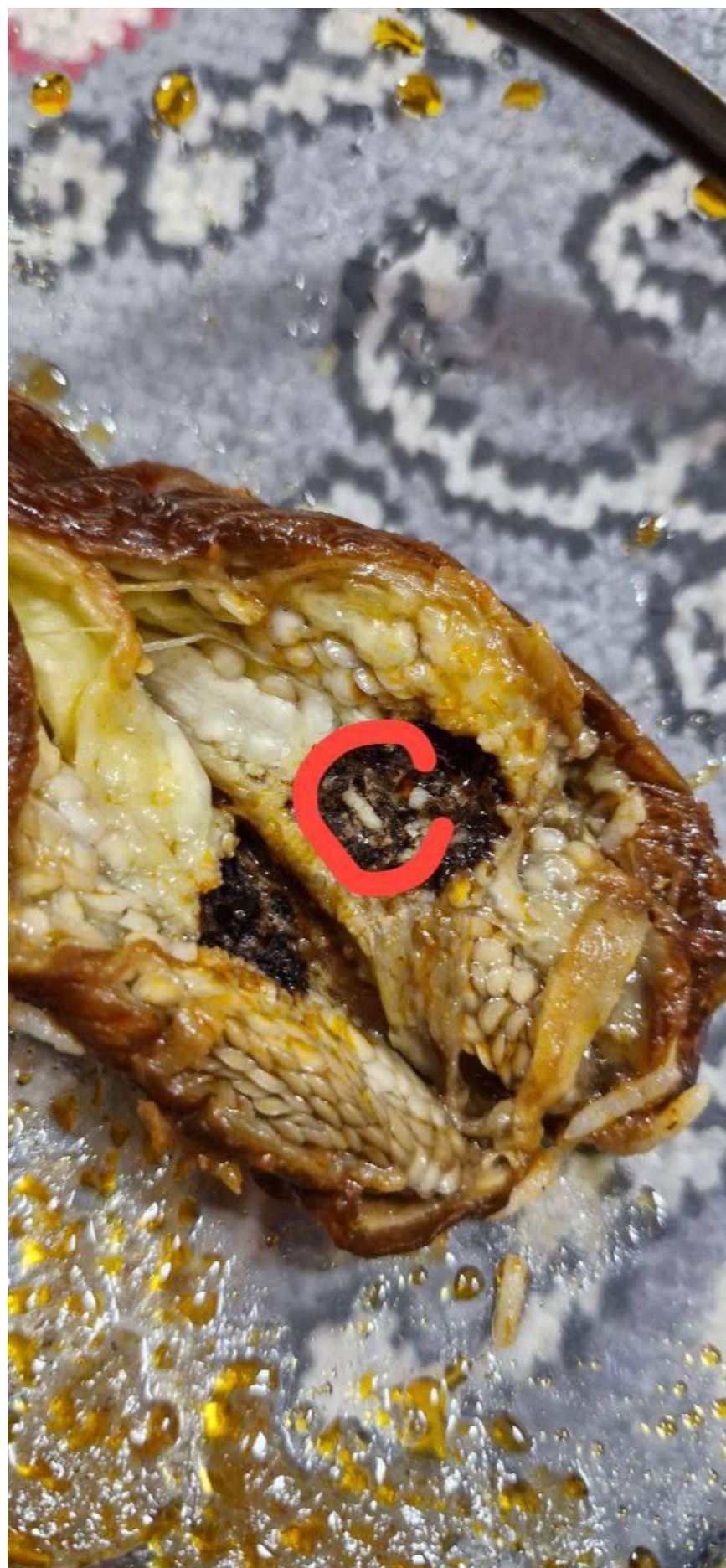
بنابه تصویر و گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی، کیفیت غذای روز دوشنبه 25 فروردین دانشگاه علوم پزشکی تبریز بسیار پایین بوده و مطابق عکس فوق در ناهار یکی از دانشجویان در سلف شهریار کرم پیدا شده است.

بنا بهمین گزارش ها، دیگر بحث کیفیت پایین و نارضایتی از غذا نیست، این بار سلامت و جان دانشجویان در خطر است.



***بیانیه شورای صنفی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در خصوص وضعیت اسفبار و غیرقابل قبول تغذیه**

در شرایطی که انتظار می‌رود حداقل استانداردها در زمینه تغذیه دانشجویان رعایت شود، تصاویر ارسالی دانشجویان از کیفیت غذاهای ارائه‌شده به روشنی گواه بر وضعیت تأسفبار و غیر بهداشتی تغذیه در دانشگاه بوعلی سینا است.



وجود قطعات اجسام خارجی نظیر شیشه و پلاستیک در غذای دانشجویان که می‌تواند آسیب‌های جدی به سلامتی آن‌ها وارد کند، وجود کرم و حشرات در غذای طبخ‌شده و استفاده از مواد غذایی فاسد و آلوده، نه تنها غیر قابل توجیه است بلکه نقض آشکار حقوق دانشجویی است.

مسئولین محترم دانشگاه بوعلی سینا! آیا حاضر هستید فرزندانان از چنین غذایی استفاده کنند؟ آیا سلامت و جان دانشجویان برایتان اهمیت ندارد؟

***موضع شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت وقایع تلخ و تکان‌دهنده در شهری و سنندج**

محمد حبیبی؛ سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

با نهایت تأسف و نگرانی، شورای هماهنگی وقایع تلخ و تکان‌دهنده‌ی اخیر در شهری و سنندج را که به ترتیب شامل تعرض جنسی به تعدادی دانش‌آموز و اعمال خشونت بدنی علیه دانش‌آموزی دیگر بوده است، محکوم می‌کند. این حوادث نه مواردی استثنایی، بلکه زنگ خطری جدی در خصوص وضعیت بحرانی ساختار آموزش عمومی در کشور هستند.

آنچه امروز شاهد آن هستیم، حاصل سال‌ها اولویت‌بخشی به گزینش‌های ایدئولوژیک به جای ارزیابی علمی، تخصصی و به‌ویژه روان‌شناختی معلمان در فرآیند جذب و استخدام است. فقدان سازوکارهای موثر برای سنجش سلامت روانی و صلاحیت حرفه‌ای معلمان، و نیز ضعف نظارت پس از استخدام، نظام آموزشی را در برابر بروز چنین فجایی به‌شدت آسیب‌پذیر ساخته است.

ما در شورای هماهنگی بارها نسبت به دفاع از حقوق دانش‌آموزان در حریم مدارس و تغییر در ساختار کنونی استخدامی در این وزارتخانه هشدار داده ایم. اما فرادستان آموزش عمومی در دولت‌های مختلف با بی‌توجهی به آینده‌کودکان این سرزمین، همواره سعی در مخفی‌سازی حوادث به جای پاسخگویی داشته‌اند. لذا ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های دانش‌آموزان آسیب‌دیده، خواستار پیگیری فوری، شفاف و بی‌طرفانه این موارد، و همچنین آغاز اصلاحات جدی در نظام منابع انسانی آموزش و پرورش هستیم. سکوت و انفعال، خیانتی است به آینده‌ی فرزندان این سرزمین.

در همین رابطه: ضرب‌وشتم و شکنجه دانش‌آموزان توسط معلم در سنندج

معلم یک دبستان در روستای کرجو سنندج به علت گم شدن شارژ موبایلش، دانش‌آموزان کلاس را در کلاس حبس و مورد ضرب‌وشتم قرار داد که بر اثر این ضرب‌وشتم، یکی از دانش‌آموزان به شدت زخمی و در بیمارستان بستری شد.

رئیس آموزش و پرورش ناحیه دو سنندج گفته است که این معلم مشکلات روحی و روانی داشته است و در گذشته هم مواردی از چنین برخوردهایی با دانش‌آموزان داشته که دستور اخراجش را داده‌ایم.

پ ن: سالهاست که تشکل‌های صنفی معلمان و شورای هماهنگی در بیانیه‌های خود به دفاع از حقوق دانش‌آموزان و نفی هرگونه تنبیه جسمی و روانی تأکید داشته‌اند. متأسفانه از آنجا که ساختار مدرن و کارآمدی در نظام آموزش و پرورش ایران وجود ندارد. یکی از مهمترین موضوعات، یعنی سنجش روانی معلمان در هنگام استخدام انجام نمی‌شود و به جای آن برای نظام آموزشی، تطبیق فرد استخدام

شده با آموزه‌های ایدئولوژیک و حکومتی در اولویت قرار دارد؛ بدین ترتیب فرزندان ما قربانی چنین سیاستی می‌شوند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***مواضع انجمن صنفی معلمان کوردستان در مورد بیانیه هشدارآمیز ۸۰۰ نفر از چهره‌های علمی، فرهنگی و هنری کشور در خصوص برگزاری مراسم نوروز**

نه به مصادره نوروز؛ آری به کثرت و پلورالیسم

بیانیه‌ای که اخیراً در رسانه‌های رسمی با امضای برخی چهره‌های فرهنگی منتشر شده، در ظاهر در دفاع از «هویت ملی» و «نوروز» به میدان آمده است، اما در واقع به‌نحو نگران‌کننده‌ای حامل پروژه‌ایست که در آن فرهنگ، به‌جای آنکه زنده و متکثر فهم شود، به یک تابلوی تثبیت‌شده و از پیش تعیین‌شده بدل می‌شود که تنها دولت و نخبگان رسمی حق نوشتن بر آن را دارند. آنچه در متن مذکور در هیئت دفاع از «ایران» عرضه شده، بازتولید تصویری انحصاری و سلسله‌مراتبی از ملیت است که نه با زیست واقعی مردمان ایران همخوان است و نه با پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی این سرزمین.

این بیانیه نه تنها تفاوت‌های زبانی، ملی (ملیت‌های غیرفارس) و آیینی موجود در پهنه ایران را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه اساساً بر این باور است که هر گونه بازنمایی این تفاوت‌ها در میدان عمومی، «خطرناک»، «تفرقه‌افکنانه» و «قابل مصادره توسط بیگانگان» است. نگاه غالب بر این متن، هراسان از خودآیینی مردم است؛ آن‌ها که بدون مجوز مرکز، سخن می‌گویند، جشن می‌گیرند، شعر می‌خوانند و زبان مادری‌شان را در فضای عمومی به کار می‌برند. آنچه این ترس را تولید می‌کند، نه خطر واقعی، بلکه فروپاشی تصور یک‌دست از ملت است؛ ملتی که گویا تنها با زبان فارسی و نشانه‌های مورد تأیید دولت تعریف‌پذیر است.

در برابر این نگاه، ما ایستاده‌ایم بر سر حقی بنیادی: حق مردم برای بازآفرینی معانی، حق مردم برای معنا دادن به میراث‌ها، و حق بدن‌ها برای حضور در فضاها. نوروز اگر زنده است، به دلیل این است که مردمان مختلف، در مکان‌های مختلف، با زبان‌ها، افسانه‌ها و مناسک متفاوت، آن را هر سال دوباره می‌سازند. نوروز اگر فقط یک روایت رسمی بود، تاکنون پوسیده و مرده بود. آنچه این متن «تحریف» می‌خواند، در واقع «تکثیر» است؛ آنچه آن را «خطر» می‌نامد، در واقع «زندگی»ست.

پشت ظاهر میهن‌دوستانه‌ی این بیانیه، خواستی برای انحصار دیده می‌شود: انحصار در تعریف ایران، انحصار در سخن گفتن از فرهنگ، انحصار در تشخیص «مجوزدار بودن» هر بیان فرهنگی. هر جا مردمانی در حاشیه، از طریق نمادها و زبان‌ها و آوازهای خود، وارد میدان عمومی می‌شوند، این متن، آن را «واگرایی» می‌نامد. اما هیچ انسجامی در حذف نیست؛ هیچ وحدتی در سکوت اجباری خلق نمی‌شود. آنچه به نام امنیت و وحدت ارائه می‌شود، در واقع بازگشتیست به سیاست حذف، که صدای زیست‌های حاشیه‌ای را فقط تا جایی می‌پذیرد که «بومی‌شده» و «مهار شده» باشند.

درون‌مایه‌ی اصلی متن مورد نقد، دوگانه‌سازی خطرناکیست میان مرکز و پیرامون، میان دولت و مردم، میان زبان رسمی و زبان‌های دیگر، میان سنت تثبیت‌شده و آیین‌های جاری. این نگاه، با ارجاع‌های تاریخی سطحی، سعی دارد «گروه‌های ملی دیگر» را از ساحت سیاست حذف کند و همزمان آن را به عنوان تهدیدی علیه کشور معرفی نماید؛ گویی مطالبه به رسمیت‌شناسی، ذاتاً دشمنی با ایران است. این سوءبرداشت، نتیجه نوعی دولت‌گرایی افراطی است که ملت را چیزی می‌فهمد که تنها در چارچوب‌های ازپیش‌تعیین‌شده‌ی قانونی و رسمی معنا دارد.

در چنین بستری، حتی اصل ۱۵ قانون اساسی نیز که مجوز آموزش سایر زبان‌ها را داده، به جای آن‌که ابزاری برای توسعه دموکراتیک باشد، به عنوان تهدید به تصویر کشیده می‌شود. این وضعیت، یادآور الگوی کلاسیکیست که در آن «قانون» تنها زمانی معتبر است که بتوان آن را به نفع مرکز تفسیر کرد. هیچ‌گاه نمی‌پرسند چرا حتی آن حداقل‌ها هم در عمل اجرا نمی‌شود. هیچ اشاره‌ای به آن‌همه سرکوب فرهنگی، فشار بر هنرمندان گروه‌های ملی دیگر، یا سانسور رسانه‌های غیرفارسی‌زبان نمی‌شود. چون مسأله نه «تجزیه»، که ترس از ظهور خودآگاهی‌های بدیل است؛ ترس از اینکه مردم، خود مؤلف معنا و سیاست شوند.

نگرانی بزرگ ما، نه فقط از محتوای این بیانیه، بلکه از استقبال رسانه‌های رسمی از آن و سکوت سازمان‌یافته در برابر نقدهایش است. گفتمان این به اصطلاح روشنفکران در واقع تداوم همان پروژه‌ای است که قدرت‌های مرکزی ایران در طول تاریخ برای یکسان‌سازی و ایران‌شهری کردن ملیت‌های مختلف در پیش گرفته‌اند. این پروژه، که نه‌تنها در دوران معاصر بلکه در طی قرون متمادی همواره به‌طور سیستماتیک اجرا شده، هدفش تضعیف هویت ملی هر یک از ملیت‌های دیگر در داخل مرزهای ایران بوده است. در این فرآیند، فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به حاشیه رانده شده و در بسیاری از مواقع از سوی حکومت‌های مرکزی مورد سرکوب قرار گرفته‌اند.

اکنون این روشنفکران که خود را داعیه‌دار آگاهی و آزادی می‌دانند، به‌نوعی با پذیرش این گفتمان در خدمت همان نظام سلطه‌گری قرار می‌گیرند که طی سال‌ها در راستای همگون‌سازی و از میان بردن تنوع فرهنگی و ملی در ایران عمل کرده است. این امر، نه‌تنها در تضاد با اصول آزادی و تکررگرایی است، بلکه نوعی بازتولید سلطه‌های فرهنگی و اجتماعی را در قالب جدیدی به همراه دارد که تنها به تقویت شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی میان ملیت‌ها خواهد انجامید.

در این وضعیت، قدرت هم خود را پشت برخی چهره‌هایی فرهنگی پنهان کرده، تا از زبان آن‌ها، همان سیاست انکار و حذف را تکرار کند. روشنفکر در این روایت، نه صدای رهایی، بلکه ابزار نظارت بر فرهنگ شده است؛ نه نیرویی برای باز کردن گره‌ها، بلکه چماقی برای دفاع از تصویر رسمی وطن.

ما اما از وطنی دیگر می‌گوییم: وطنی باز، چندصدا، زنده، متحرک؛ وطنی که هویت را به گذشته فسیل‌شده تقلیل نمی‌دهد، بلکه از دل تنازع و گفت‌وگوی مردم، هر روز بازتولید می‌شود. آن‌چه وطن را وطن می‌سازد، نه حذف تفاوت‌ها، بلکه خلق لحظات مشترک درون تفاوت‌هاست. نه ممنوعیت جشن گرفتن به زبان مادری، بلکه امکان رقص و آواز همه مردم در میدان مشترک است. ایران ما، پروژه‌ای بسته نیست؛ فرایندی باز و در حال ساخت است.

ما با صدایی بلند می‌گوییم: نوروز نه ابزار انسجام ساختگی، که لحظه‌ای برای مقاومت فرهنگی‌ست. نوروز لحظه‌ای‌ست برای بازگشت به ریشه‌های زنده مردم، نه پوشاندن آن‌ها با نقاب سیاست رسمی. هر جا مردم رقصیدند، آواز خواندند، زبان مادری‌شان را فریاد زدند، میهن جان گرفته است.

ما از تمامی امضاکنندگان آن بیانیه می‌پرسیم: آیا نمی‌بینید که آن‌چه آن را تهدید می‌نامید، در واقع زندگی‌ست؟ آیا وقت آن نرسیده که به‌جای انکار تفاوت، با آن زندگی کنیم؟ آیا زمان آن نیست که به جای ترس، مسئولیت ساختن آینده‌ای واقعاً دموکراتیک را بپذیریم؟

انجمن صنفی معلمان کوردستان به عنوان یک نهاد مدنی مستقل معتقد است:

۱- هرگونه تلاش برای یکدست‌سازی زبان، فرهنگ و هویت مردمان این جغرافیا و انکار تمایزات و تفاوت‌های آنها دستاوردی جز تقابل، افتراق بیشتر و کاهش سرمایه‌های اجتماعی نخواهد داشت. اساساً یکی از جذابیت‌ها و نقطه‌قوت‌های این مملکت حضور ملت‌های مختلف با زبانها، پوشش‌ها، روحیات و آداب و رسوم متنوع است. به عنوان مثال همین باغ‌شهر ارومیه (که مورد اشاره بیانیه ۸۰۰ نفری هم هست) علیرغم زیبایی‌های طبیعی کم‌نظیرش، این ماهیت پلورالیستی و متکثر (زبانی، دینی، مذهبی و اجتماعی) آن است که به این شهر زیبایی و غنا بخشیده است. اصولاً در شهرهایی نظیر ارومیه، تکاب، میاندوآب، سلماس، خوی، ماکو، نقده، پلدشت، قروه و بیجار کوردستان، برخی شهرهای خوزستان و سیستان و بلوچستان، تهران، کرج و... مردم به خاطر مجاورت و زیستن با تفاوت‌ها از آمادگی بیشتری برای پذیرش دموکراسی برخوردارند. برخلاف بزرگنمایی‌هایی هم که صورت می‌گیرد زندگی در این مناطق مسالمت‌آمیزتر از آن چیزی‌ست که معرفی می‌شود. مردمان این مناطق همواره با هم همکاری، همسایگی، رفت و آمد، ازدواج، مشارکت اقتصادی و... داشته و دارند. اگر هم تنش‌هایی مشاهده شده بیشتر به دخالت‌ها و تحریکات عوامل بیرون از آن جامعه برمی‌گردد، دخالت‌هایی که به نفع گروهی و ضرر گروه دیگر بوده است. ضمن اینکه در چند دهه اخیر، انتخابات (به ویژه انتخابات مجلس و شورای شهر) در این مناطق جز فربه کردن برخی تعصبات و بلندتر کردن دیوارهای تفرقه دستاوردی نداشته است و باید چاره‌ای دیگر اندیشید.

۲- بحث آموزش یک عامل مهم و راهکاری اساسی برای این مسئله است. ضرورت‌های جامعه ما به طور عام و در مناطق یاد شده به طور خاص ایجاب می‌کند در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز، پذیرش تفاوت‌ها، احترام به حقوق دیگران، پرهیز از خشونت، مدیریت احساسات، شیوه‌های انسانی حل مسئله و... آموزش‌های موثر و مستمر به دانش‌آموزان و سایر شهروندان داده شود. در این مورد، هم بخش آموزش رسمی کشور و هم بخش غیررسمی (سمن‌ها، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، نهادهای دینی، منتقدین و...) مسئولیت خطیری بر عهده دارند.

انجمن صنفی معلمان کوردستان (سقز و زیویه، مریوان و سروآباد، سنندج) ۲۳/۱/۱۴۰۴

***احضار ۹ معلم کنشگر کرمان به دادگاه انقلاب**

شعبه ۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب استان #کرمان تعدادی از فرهنگیان با نامهای #مجید_نادری، #محمدرضا_بهزادپور، #شهناز_رضایی، #زهرا_عزیزی، #میترا_نیکپور،

#حسین_رشیدی، #محمد_مستعلی‌زاده، #فاطمه_یزدانی و #لیلا_افشار را برای تکمیل دفاعیات خود به دادگاه احضار کرد.

این فعالین صنفی معلمان از سال ۱۴۰۰ در ادامه موج سرکوبها، چندین نوبت با پرونده سازی نهادی های امنیتی و هیات تخلفات اداری آموزش و پرورش رو به رو شده اند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***تداوم بازداشت و بی‌خبری از وضعیت امیرحسین باقری علویجه**

امیرحسین باقری علویجه، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی طراحی صنعتی دانشگاه تهران و دانشجوی کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی دانشگاه اراک که در نیمه‌شب ۱۳ فروردین در شهر علویجه اصفهان بازداشت شده‌بود، پس از گذشت ۱۲ روز همچنان در بازداشت موقت به سر می‌برد .

گفتنی است کماکان از نهاد بازداشت‌کننده، محل نگهداری و دلیل بازداشت این دانشجو اطلاعاتی در دست نیست.

برگرفته از کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور

akhbarkargari2468@gmail.com